

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۶۶-۳۶۳ New Period, No 17, 2019, P 363-366

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۷۰۱۸-۲۴۷۶)

اهمیت بیداری شب و سحر خیزی از نظر خواجه حافظ شیرازی

یونس رضائی

younessrezaei@gmail.com

چکیده

تردیدی نیست که در آیات قرآن شریف و احادیث معصومین (ع) و سخنان بزرگان اهل کمال، تاکید بسیار به بیداری شب و سحر خیزی شده. غرض ما در این مقاله، توجه دادن خوانندگان عزیز است به بیانات خواجه درباره این دو امر، تا آنکه در طلب کمالات انسانی هستند، تشویق و ترغیب بیشتری شده، و بدانند که بدون بیداری شب و سحر خیزی ممکن نیست کسی مورد الطاف الهی قرار گیرد و به جایی برسد.

واژه‌های کلیدی: حافظ شیرازی، سحر خیزی، بیداری شب، نماز شب

بزرگان فرموده‌اند، کسانی که از مقامات دین به جانی رسیده‌اند همه‌شان از شب‌خیزان بوده‌اند و از غیر آنها دیده نشده است. و فضیلت تهجد و قیام لیل و گریه و ندبه از خوف خدا و شوق او جل جلاله و نماز شب را اگر بخواهی اخبار و آیات وارده در این باب زیاد است که ما مختصری را از آن ذکر می‌کنیم تا موجب تذکر برای طالبان آن باشد. از جمله روایات، روایتی است که از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: از جمله آن چه خدای تعالی به موسی بن عمران وحی فرمود این است که فرمود: دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند که مرا دوست می‌دارد ولی چون شب او را فرامی‌گیرد از من غافل شده و بخواب می‌رود، ای پسر عمران اگر ببینی کسانی را که در تاریکی شب به خاطر من به پای ایستند و من خود را در مقابل چشمان آنان ممثل نموده‌ام و آنان با من مخاطبه می‌کنند در حالیکه من بالاتر از آنم که دیده شوم و با من سخن می‌گویند در حالی که من عزیزتر از آنم که نزد کسی حضور یابم، ای پسر عمران به خاطر من از دیده اشک و از دل خشوع و از تنت خضوع را به پیشگاه من بیار و آنگاه مرا در تاریکی شب‌ها بخوان که مرا نزدیک و پاسخگو خواهی یافت. از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که شرافت مؤمن نماز شب خواندن او است. و همچنین روایت شده است هنگامیکه خدای تعالی اولین و آخرین را گرد هم می‌آورد، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد کسانی که پهلوشان از بسترها تهی می‌شد و پرودگارشان را امیدوارانه می‌خواندند به پا خیزند، سپس برمی‌خیزند کسانی که اندک باشند و سپس از آنکه به حساب آنان رسیدگی شد، به حساب مردم می‌رسند.

خواجه در موارد متعددی از ابیات غرلیاتش به اهمیت بیداری شب و سحرخیزی و اثرات آن و نیز در نکوهش خواب صبحدم اشاره نموده و می‌گوید:

- ۱- همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را
- ۲- نخفته‌ام به خیالی که می‌بزم شبها خمار صد شبه دارم شرابخانه کجاست؟
- ندای عشق تو دوشم در اندرون دادند فضای سینه حافظ، هنوز پر ز صداست
- ۳- مرغ شبخوان را بشارت باده کاندرا راه عشق دوست را، با ناله شبهای بیداران خوش است
- ۴- مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول ز ورد نیمشب و درس صبحگاه رسید
- ۵- دلا! بسوز که سوز تو کارها بکند دعای نیمه شبی، دفع صد بلا بکند
- ۶- دوش، وقت سحر اط غصه نجاتم دادند واندر آن ظلمت شب، آب حیاتم دادند.
- ۷- آن زمان، وقت می صبح فروغ است، که شب گرد خرگاه افق، پرده شام اندازد
- ۸- خوشش بادا نسیم صبحگاهی! که درد شب نشینان را دوا کرد
- ۹- سرمکش حافظ! ز آه نیم شب تا چو صبح، آینه تابان کنند
- ۱۰- تا مگر همچو صبا، باز به زلف تو رسم حاصلم دوش، بجز ناله شبگیر نبود
- ۱۱- هر گنج سعادت، که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود
- ۱۲- به بوی مزده وصل تو تا سحر، همه شب به راه باد نهادم، چراغ روشن چشم

- ۱۳- پاسبان حرم دل شده ام، شب همه شب بو که سیری بکند آن مه ناکاسته ام
 - ۱۴- سزای قدر تو شاه! به دست حافظ نیست بجز نیاز شبی و دعای صبحدمی
 - ۱۵- می صُبح و شکر خواب صبحدم تا چند؟ به عذر نیم شبی گوش و ناله سحری
 - مرا در این ظلمات، آنکه رهنمایی داد دعای نیمه شبی بود و گریه سحری
 - ۱۶- به خدا، که جرعه ای ده، تو به حافظ سحر خیز که دعای صبحگاهی، اثری دهد شما را
 - ۱۷- زیخت خفته ملولم، بُود که بیداری به وقت فاتحه صبح یک دعا بکند
 - ۱۸- بس ام حکایت دل هست با نسیم سحریولی به بخت من امشب سحر نمی آید
 - ۱۹- سرشک گوشه گیران را چو دریابند، دُر یابند
رخ از مهر سحرخیزان نگردانند اگر رازی
 - ۲۰- سحرم دولت بیدار به بالین آمد گفت: برخیز که آن خسرو شیرین آمد
و در مواردی دیگر به نتایجی که خود از سحرخیزی به دست آورده، اشاره کرده و می گوید:
 - ۱- صبا و وقت سحر، بویی ز زلف یار می آید دل شوریده ما را ز نور در کار می آورد
 - ز رشک تار زلف یار، بر یاد سحر می داد صبا، هرنافه مشک که از تاتار می آورد
 - فروغ ماه می دیدم، زیام قصر او روشن که روی از شرم او، خورشید بر دیوار می آورد
 - عفی الله! چین ابرویش اگر چه تا توانم کرد به رحمت هم پیامی، بر سر بیمار می آید
 - ۲- صوفی ما، که ز ورد سحری مست شدی شامگاهش، نگران باش، که سرخوش باشد
 - ۳- صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم، همه از دولت قرآن کردم
 - ۴- پس دعای سحر، حافظ جان خواهد بود تو که چون حافظ شب خیز، غلامی داری
 - ۵- ز پرده ناله حافظ برون کی افتادی؟ اگر نه همدم مرغان صبح خوان
- از مجموع گفتار خواجه شیراز معلوم می شود، نقش بیداری شب و سحر خیزی را برای خود و سالکین چگونه برداشت نموده است. امید است خوانندگان عزیز، تنها به گفتار شیرین خواجه در بیان حقایق و ظرافت شعری و غیره اکتفا نکرده، و به راهنماییهای وی برای رسیدن به کمالات انسانی، گوش جان سپرده و بدان عمل بنمایند، تا شاید دری از کمالات انسانیت در این عالم به رویشان گشوده گردد.

فهرست منابع و مآخذ

– دیوان خواجه حافظ شیرازی